

الزامات رشد تولید در اقتصاد ایران

مهران سام دلیری^۱

چکیده

تولیدات داخلی ما از سال ۱۳۹۷ به دنبال جهش‌های نرخ ارز در شرایط خاصی قرار گرفته است. از سوی وابستگی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی باعث شده است بنگاه‌های صنعتی ما با مشکل منابع و فروش مواجه باشند و از سوی دیگر، بخش نامولد گسترده در اقتصاد ایران مانع بزرگی بر سر راه رشد و سرمایه‌گذاری کشور است. فضای تورمی موجود هم تقاضای سرمایه‌گذاری را محدود کرده است. در چنین بستری، افق تصمیم‌گیری‌ها و چشم‌اندازها مکرر و تیره می‌شود که ریسک سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد و موجب تضعیف بیشتر بخش تولید می‌شود. بنابراین، اگر قرار باشد برای تحقق شعار سال برنامه‌ریزی داشته باشیم، باید برای سرمایه‌گذاری‌های اساسی، مجاری تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و اصلاحات ساختاری و اساسی در نظام بانکی، محدود کردن فعالیت‌های نامولد و حمایت از تولید و بهبود فضای کسب‌وکار برنامه‌ریزی شود.

واژگان کلیدی: رشد تولید، سرمایه‌گذاری، اقتصاد ایران.

مقدمه

افزایش مکرر نرخ ارز و جهش‌های آن در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷ به بعد و چند برابر شدن قیمت نهاده‌ها، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی، عامل عمده بروز وضعیت رکودی در سال‌های اخیر است. در واقع، وقتی اقتصادی شوک ارزی دارد، سطح عمومی قیمت‌ها در چنین اقتصادی تابعی از آن جهش می‌یابد. جهش نرخ ارز روی سرمایه در گردش بنگاه‌ها اثر می‌گذارد، و اگر به آن اندازه که اقتصاد به پول نیاز دارد، عرضه نشود، آثار محسوس رکودی بر اقتصاد دارد. شواهد موجود حاکی است که ورود بانک‌ها به بنگاه‌داری و تزریق منابع مالی به شرکت‌های زیرمجموعه خود افزون‌بر اختصاص نیافتن منابع مالی به بنگاه‌های تولیدی و مولد کشور، توان رقابت‌پذیری سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های تولیدی را در بخش‌هایی که بانک‌ها به آن ورود کرده‌اند،

میزان تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن به دلیل آثاری که بر اشتغال و رفاه دارد، یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان و مهم‌ترین بخش حقیقی اقتصاد است. بررسی آمارهای کلان اقتصادی در دهه ۱۳۹۰ حاکی است که در این دهه یکی از ضعیف‌ترین عملکردهای اقتصادی ثبت شده است. در بخش مربوط به رشد اقتصادی باید اشاره شود که در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه میانگین رشد این شاخص ۸ درصد در نظر گرفته شده، اما آنچه در واقعیت رخ داده است، فاصله معناداری با اهداف مدنظر دارد. اساساً تولید به لحاظ ساختار فنی، رقابت‌پذیری، به‌روز بودن و مدیریت و جایگاه کلان در اقتصاد ایران وضعیت مطلوبی ندارد.

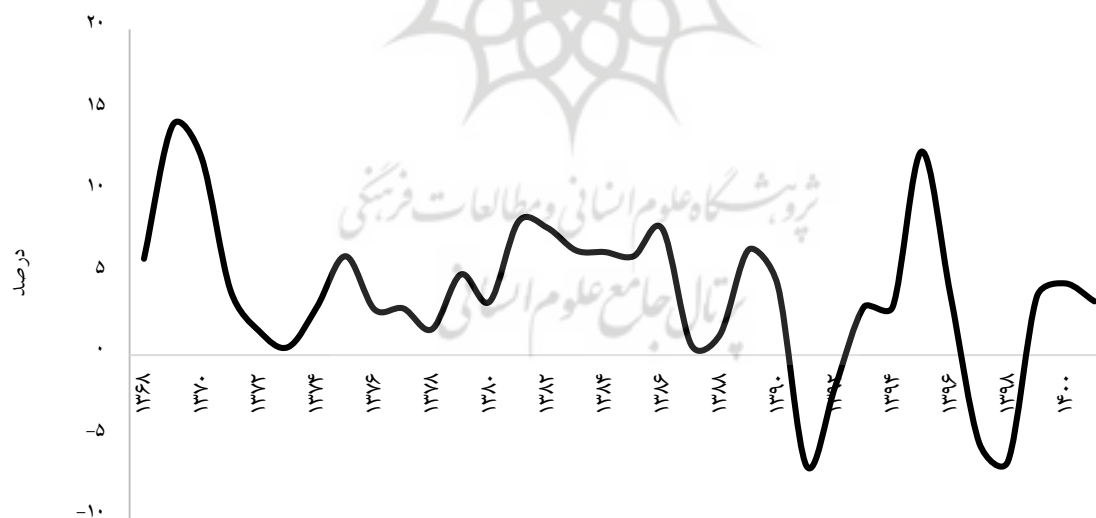
متغیرهای اقتصاد کلان و مهم‌ترین بخش حقیقی اقتصاد است. رشد اقتصادی در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، در بیشتر سال‌ها مثبت و عمدتاً متأثر از درآمدهای نفتی بوده، اما به دلیل روند نوسانی آن، شواهد حاکی است که اقتصاد ایران رشد پایداری را نداشته است. بررسی آمارهای کلان اقتصادی در دهه ۱۳۹۰ نیز حاکی است که در این دهه یکی از ضعیف‌ترین عملکردهای اقتصادی ثبت شده است. آمارها نشان می‌دهد که در دهه ۱۳۹۰، رشد اقتصادی بسیار پرنوسان و متوسط این رشد رقمی نزدیک صفر بوده است. در نیمی از سال‌های دهه ۱۳۹۰، رشد اقتصادی منفی گزارش شده و در ۲ سال رشد اقتصادی از منفی ۵ درصد نیز کمتر بوده است.

به شدت کاهش داده یا حتی آن‌ها را به تدریج از بازار حذف کرده است. این موضوع پیامدهایی از جمله افزایش هزینه‌های تولید، کاهش فضای رقابت‌پذیری، گسترش فضای نامولد و فساد و در نهایت، کاهش رشد و توسعه اقتصادی را در جامعه در پی داشته است. در گزارش حاضر سعی شده است افزون‌بر بررسی وضعیت کنونی تولید و سرمایه‌گذاری، دلایل رشد پایین آن توضیح داده و در نهایت، راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود با هدف تحقق شعار سال یعنی «مهار تورم و رشد تولید» ارائه شود.

۱- وضعیت کنونی تولید در اقتصاد ایران

میزان تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن به دلیل آثاری که بر اشتغال و رفاه دارد، یکی از مهم‌ترین

نمودار ۱- روند نرخ رشد تولید در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی.

هرگونه رکود یا رونق اقتصادی در هریک از این زیربخش‌ها، در سطحی بالاتر، تولید ملی را تحت تأثیر قرار دهد. هرچه سهم زیربخشی در تولید

با توجه به اینکه تغییر در رشد اقتصادی هر کشور نتیجه عملکرد سه زیربخش صنعت، کشاورزی و خدمات است، بنابراین انتظار داریم

از این رو بررسی وضعیت هریک از زیربخش‌ها به لحاظ سهم آن‌ها در تولید در دوره زمانی مورد نظر حائز اهمیت است.

داخلی بیشتر باشد، میزان اثرگذاری آن بخش بر اقتصاد بیشتر است و هرگونه نوسانات در آن بخش خاص، آثار به مراتب بیشتری بر اقتصاد می‌گذارد.

جدول ۱- سهم هریک از بخش‌های اقتصادی در تولید

سال فصل	سهم بخش صنعت* در تولید کل کشور	سهم بخش کشاورزی در تولید کل کشور	سهم بخش خدمات در تولید کل کشور
۱-۱۳۹۹	۳۹/۸	۵/۹	۵۳/۹
۲-۱۳۹۹	۳۹/۷	۸/۶	۵۱/۴
۳-۱۳۹۹	۴۰/۴	۸/۳	۵۱/۱
۴-۱۳۹۹	۴۲/۷	۴/۶	۵۲
۱-۱۴۰۰	۴۲/۱	۵/۲	۵۲/۴
۲-۱۴۰۰	۴۱/۱۴	۶/۶	۵۲/۰۵
۳-۱۴۰۰	۳۸/۸	۸/۲	۵۲/۷
۴-۱۴۰۰	۴۱	۴/۶	۵۳/۸
۱-۱۴۰۱	۴۰/۹	۵/۳	۵۳/۵
۲-۱۴۰۱	۳۹/۱	۷/۹	۵۲/۵
۳-۱۴۰۱	۴۰/۲	۷/۳	۵۲/۱

* بخش صنعت دربرگیرنده بخش نفت و گاز نیز است.

مأخذ: وبگاه مرکز آمار ایران.

۲- دلایل رشد پایین تولید در اقتصاد ایران
تبيين و ترسیم واقعیت‌ها و تحلیل‌های آسیب‌شناسانه پیش‌شرط حصول اجماع برای ضرورت اصلاحات جدی امیدوارانه است. در مقابل، چشم‌پوشی از واقعیت‌ها و بیان نکردن تلخی‌های موجود، کارآمدی سیاست‌های اصلاحی با هزینه‌های گزاف را به شدت کاهش می‌دهد. دستیابی به شعار امسال (مهار تورم و رشد تولید) مستلزم تبیین واقعیت‌های موجود است و تشریح وضعیت اقتصادی کشور در تبیین و ارزیابی وضعیت موجود و یافتن راهکار و چاره‌جویی بسیار تأثیرگذار است. از جمله دلایل رشد پایین تولید در اقتصاد کشور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، سهم بخش خدمات از تولید کل کشور در سال‌های مورد بررسی از دیگر بخش‌های اقتصادی همواره بیشتر و در مقابل، سهم بخش کشاورزی از همه بخش‌های اقتصادی کمتر بوده است. بخش کشاورزی در برخی مواقع از تحولات در روابط خارجی تأثیر می‌پذیرد، اما آنچه در این میان اثرگذاری زیادی بر عملکرد این بخش دارد، مشکلات زیرساختی در بخش کشاورزی، کمبودهای زیست‌محیطی و وضعیت آب‌وهوایی است. وضعیت بخش صنعت نیز با عنایت به وابستگی آن در تأمین مواد اولیه به دنیای خارج و اثرپذیری از مناسبات بین‌المللی، متغیر و در سال‌های اخیر نوسانات بیشتری داشته است.

۱-۲- بانک محور بودن اقتصاد و ناکارآمدی نظام

بانکی در تخصیص منابع به بخش صنعت

تأمین کنندگان مالی به شمار می‌رود و طرح‌های بسیاری از این طریق تأمین مالی می‌شوند. در حال حاضر، ۹۸ درصد از تأمین منابع مالی بنگاه‌های اقتصادی توسط شبکه بانکی صورت می‌گیرد و سهم بازار سرمایه تنها ۲ درصد است (جدول شماره ۲).

امروزه در کشور برای تأمین مالی عملاً فقط یک بازار وجود دارد و آن هم بانک‌ها هستند در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا، «بازار سرمایه» از بزرگ‌ترین

جدول ۲- بررسی تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی

ردیف	بازار تأمین مالی	حجم (میلیارد تومان)	درصد تأمین مالی
۱	بازار سرمایه	۱۴۹۱۲	۲
۲	شبکه بانکی	۶۹۰۰۰۰	۹۸
	مجموع	۷۰۴۹۱۲	۱۰۰

مأخذ: محاسبات گزارش بسته پیشنهادی رونق تولید ایران.

برای شناسایی چالش‌های نظام بانکداری کشور، مقایسه با کشورهای ژاپن، چین و مالزی بررسی شده وضعیت شاخص‌های عملکرد نظام بانکی کشور در است.

جدول ۳- وضعیت شاخص‌های عملکرد نظام بانکی کشورهای منتخب و ایران بر اساس آخرین داده‌های بانک جهانی

شرح	واحد	ایران			ژاپن			چین			مالزی		
		۲۰۲۱	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۲۱	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۲۱	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۲۱	۲۰۲۰	۲۰۱۹
عمق مالی (نسبت نقدینگی (M2) به تولید ناخالص داخلی)	درصد	۱۰۱/۲	۱۰۲/۶	۱۰۱/۱	۲۴۸/۳۱	۲۵۱/۱۹	۲۸۰/۱۸	۱۹۵/۰۳	۱۹۷/۸	۲۱۱/۳	۱۲۵/۰۷	۱۲۲/۸	۱۳۷/۶
میزان تخصیص اعتبارات داخلی به بخش خصوصی از تولید ناخالص داخلی	درصد	۵۵	۴۰	۴۱	۱۰۵/۱۶	۱۰۷/۲۰	۱۱۷/۸۶	۱۵۷/۸	۱۶۵/۴	۱۸۲/۴۳	۱۲۰/۲	۱۲۰/۶	۱۳۳/۹
نرخ سود اسمی تسهیلات	درصد	۱۸	۱۸	۱۸	-	-	-	-	۴/۲۵	۴/۲۵	۴/۲۵	۴/۸۷	۳/۹۴
نرخ سود سپرده	درصد	۱۶	۱۵	۱۵	-	-	-	-	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۲/۹۸	۱/۹۵
نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات	درصد	۶/۶	۰	۶/۰۳	-	-	-	-	۱/۸۳	۱/۸۶	۱/۴۷	۱/۵۱	۱/۵۶
تعداد شعبات بانک‌های تجاری (به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر)	شعبه	-	-	۳۱/۰۹	۳۴/۰۱	۳۳/۹۲	۳۳/۹۲	۸/۸۸	۸/۸۶	۸/۷۹	۱۰/۳۴	۱۰/۰۸	۸/۹۷
تعداد عابر بانک به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر	دستگاه	-	-	۸۸/۶۴	۱۲۷/۳۸	۱۲۴/۱۱	۱۲۱/۷۰	۹۵/۵۴	۸۷/۸۷	۵۰/۳۴	۵۶/۰۸	۵۵/۵۶	

مأخذ: پایگاه داده‌های بانک جهانی؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، به‌رغم اینکه نظام تأمین مالی در ایران بانک محور است، از نقطه نظر کیفیت واسطه‌گری مالی، عمق مالی و هزینه‌های تجهیز منابع در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. در ادامه، ابعاد

یادشده مورد تبیین و تفسیر بیشتری قرار می‌گیرد.
- عدم توسعه یافتگی در واسطه‌گری مالی بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری: شواهد تجربی نشان می‌دهد که تسهیلات اعطایی بانک‌های

همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، به‌رغم اینکه نظام تأمین مالی در ایران بانک محور است، از نقطه نظر کیفیت واسطه‌گری مالی، عمق مالی و هزینه‌های تجهیز منابع در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. در ادامه، ابعاد

غیردولتی و مؤسسات اعتباری از سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰، حدود ۴۰۰۰ برابر شده در حالی که تسهیلات اعطایی بانک‌های تجاری و تخصصی در این فاصله به ترتیب حدود ۱۶ و ۴۲ برابر شده است.

جدول ۴- تسهیلات اعطایی بانک‌ها و سهم آن‌ها از کل اعطای تسهیلات

سال	بانک‌های تجاری		بانک‌های تخصصی		بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری	
	مقدار	سهم	مقدار	سهم	مقدار	سهم
۱۳۸۱	۲۲۴	۶۹/۸	۹۲	۲۸/۷	۴	۱/۲
۱۳۸۲	۳۱۲	۷۰/۶	۱۱۲	۲۵/۳	۱۷	۳/۸
۱۳۸۳	۴۱۹	۶۸/۹	۱۴۰	۲۳	۴۹	۸/۱
۱۳۸۴	۵۳۱	۶۳/۷	۱۹۸	۲۳/۸	۱۰۴	۱۲/۵
۱۳۸۵	۷۳۷	۶۲/۵	۲۷۸	۲۳/۶	۱۶۴	۱۳/۹
۱۳۸۶	۱۰۲۳	۶۳/۳	۳۴۴	۲۱/۳	۲۴۹	۱۵/۴
۱۳۸۷	۱۰۸۲	۵۹/۷	۳۹۷	۲۱/۹	۳۳۴	۱۸/۴
۱۳۸۸	۵۱۲	۲۴/۳	۵۰۱	۲۳/۸	۱۰۹۱	۵۱/۸
۱۳۸۹	۶۳۰	۲۱/۷	۸۵۲	۲۹/۳	۱۴۲۱	۴۸/۹
۱۳۹۰	۷۲۸	۲۱/۱	۱۰۰۴	۲۹	۱۷۲۴	۴۹/۹
۱۳۹۱	۷۶۴	۱۸/۶	۱۲۲۵	۲۹/۹	۲۰۷۸	۵۰/۷
۱۳۹۲	۸۴۸	۱۵/۸	۱۴۰۹	۲۶/۳۵	۳۰۸۹	۵۷/۷۷
۱۳۹۳	۹۴۴	۱۵/۱۳	۱۶۱۲	۲۵/۸۳	۳۶۸۳	۵۹/۰۲
۱۳۹۴	۱۱۱۰	۱۵/۲۲	۱۸۱۹	۲۴/۹۴	۴۳۶۲	۵۹/۸۲
۱۳۹۵	۱۳۶۷	۱۵/۰۲	۲۰۶۰	۲۲/۶۴	۵۶۷۲	۶۲/۳۲
۱۳۹۶	۱۷۱۳	۱۵/۸۲	۲۳۸۱	۲۲/۰۰	۶۷۲۸	۶۲/۱۶
۱۳۹۷	۲۱۲۷	۱۶/۳۵	۲۷۲۷	۲۰/۹۷	۸۱۴۷	۶۲/۶۶
۱۳۹۸	۲۷۰۳	۱۶/۷۰	۳۲۰۹	۱۹/۹۳	۱۰۱۸۳	۶۳/۲۶
۱۳۹۹	۳۶۶۶	۱۵/۳۲	۳۸۷۷	۱۶/۲۰	۱۶۳۸۲	۶۸/۴۷
۱۴۰۰	۷۴۴۱	۲۱	۵۰۰۶	۱۴	۲۲۹۶۰	۶۴

مأخذ: وبگاه بانک مرکزی، اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، متغیرهای پولی و اعتباری.

کشورها، کالاهای با فناوری بالا، سهم زیاد و عمده‌ای دارد؛ زیرا برای تولید محصول با فناوری بالا، مراحل ساخت و تولید زمان زیادی می‌برد. از این رو مبادله و خرید و فروش کالاهای فراوان واسطه‌ای برای تولید محصول مستلزم وجود نقدینگی بیشتر برای پوشش این معاملات (روی کالای واسطه‌ای) است.

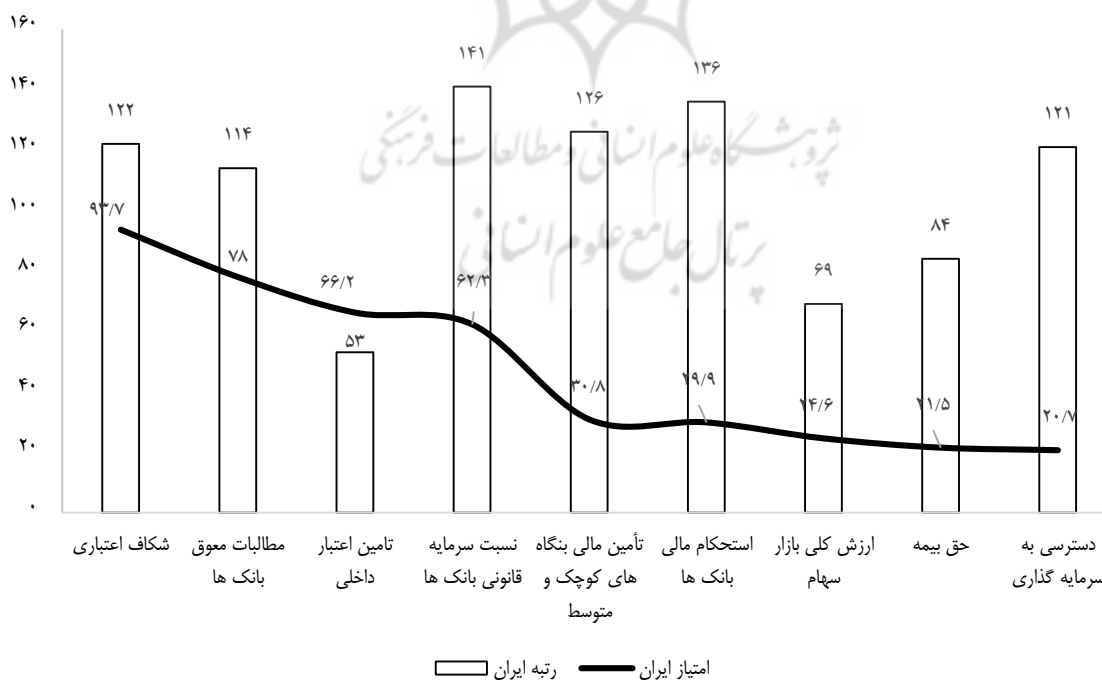
عمق مالی از طریق ترتیبات تخصیصی و هدایت اعتبار به بخش مولد ایجاد می‌شود نه تنها افزایش نقدینگی: به رغم رشد متوسط حدود ۴۸ درصدی نقدینگی در ۲ دهه گذشته، بخش مولد همواره از کمبود نقدینگی رنج برده است. در واقع، دلیل اصلی نسبت بالای نقدینگی به تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب این است که در این

تسهیلات اعطایی و به طبع مطالبات غیرجاری افزایش می‌یابد. در واقع، در این وضعیت، مخاطرات اخلاقی به وقوع می‌پیوندد؛ به طوری که بانک‌ها برای بازپرداخت مطالبات پیشین و اصلاح ساختار مالی شکننده خود در فضای رقابت بر سر بالا بردن نرخ سود بالاتر در نظام مالی، به جذب سپرده با نرخ بالا رو می‌آورند که این موضوع استحکام مالی بانک‌ها را با شدت بیشتری کاهش می‌دهد.

همچنین، ملاحظه می‌شود که از نظر شاخص رقابت‌پذیری جهانی بر اساس نماگرهای سیستم مالی گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد در میان ۱۴۸ کشور مطالعه‌شده، وضعیت ایران چندان مناسب نیست. رتبه ایران در هریک از این شاخص‌ها در نمودار شماره ۲ ارائه شده است.

- بالا بودن هزینه تجهیز منابع مالی برای بانک‌ها: مطابق جدول شماره ۳، نرخ سود سپرده در ایران که از مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده قیمت تمام‌شده به شمار می‌رود، تفاوت معنی‌داری با کشورهای منتخب دارد. این موضوع در کنار مواردی مانند بالا بودن نرخ جریمه اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در پایه پولی و افزایش نرخ سود بازار بین‌بانکی منجر به افزایش هزینه تجهیز منابع بانک‌ها شده است که سبب می‌شود از سویی بانک‌ها از حیث استحکام مالی با محدودیت و تشدید معضل مواجه شوند و از سوی دیگر، با توجه به اینکه که فعالیت‌های با نرخ بازدهی بالا (که معمولاً دارای ریسک بالاتری نیز هستند) برای بانک‌ها توجیه‌پذیر شده‌اند، احتمال نکول

نمودار ۲- مقایسه جایگاه و امتیاز ایران بر اساس نماگرهای سیستم مالی



مأخذ: گزارش مجمع جهانی.

موضوعات حقوقی و مالی مثل بنگاه عمل می‌کند، باید دنباله‌رو مقتضیات رشد و توسعه کشور باشد.

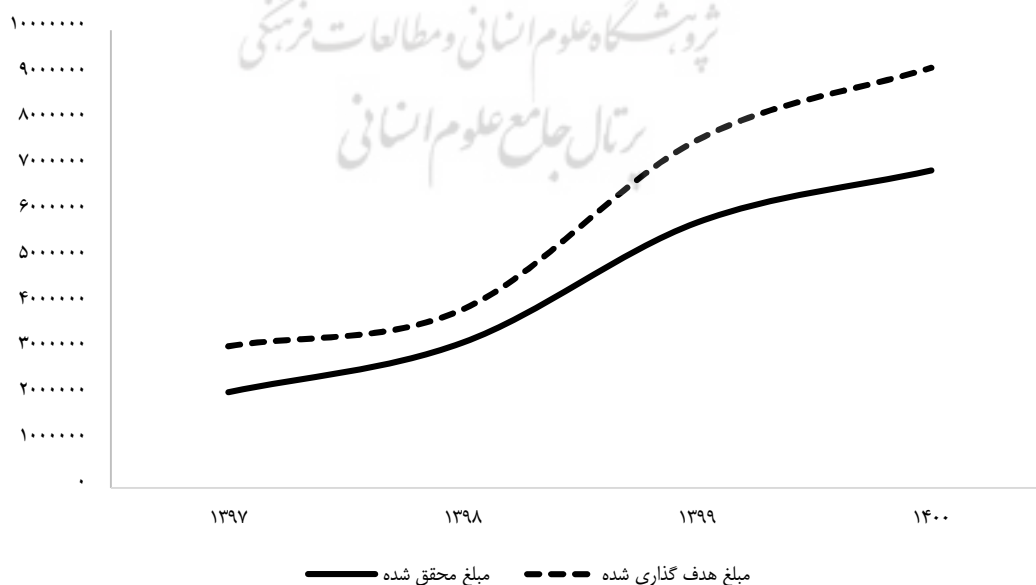
۲-۲- نظارت ناقص بانک مرکزی بر وام‌دهی شبکه

بانکی

مطابق با بند پ ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه، بانک مرکزی (شورای پول و اعتبار) مکلف شده است سیاست‌های پرداخت تسهیلات بانکی را به‌گونه‌ای تنظیم کند که سهم بخش صنعت و معدن از تسهیلات پرداختی سالیانه در اجرای قانون برنامه حداقل ۴۰ درصد باشد. این در حالی است که سهم تسهیلات این بخش در ۳ سال اخیر، حداکثر ۲۹/۵ درصد بوده است که با هدف‌گذاری برنامه ششم توسعه فاصله زیادی دارد. در نمودار شماره ۳، فاصله زیاد بین تسهیلات پرداخت‌شده و مقدار تسهیلات هدف‌گذاری‌شده، ضعف نظارت بانک مرکزی در حوزه تسهیلات‌دهی شبکه بانکی را به‌خوبی نشان می‌دهد.

براساس گزارش مجمع جهانی، سیستم مالی در هر کشور شامل ۹ شاخص از جمله تأمین اعتبار داخلی به بخش خصوصی، تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، دسترسی به سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز، ارزش کلی بازار سهام، حق بیمه، استحکام مالی بانک‌ها، مطالبات معوق بانک‌ها، شکاف اعتباری و نسبت سرمایه قانونی بانک‌هاست. ملاحظه می‌شود که ۶ شاخص از ۹ شاخص سیستم مالی شامل نسبت سرمایه قانونی بانک‌ها، استحکام مالی بانک‌ها، تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، شکاف اعتباری، دسترسی به سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و مطالبات معوق بانک‌ها بیشترین اثر منفی را در امتیاز و رتبه شاخص رقابت‌پذیری کشور دارند. نظام بانکی و مالی باید در خدمت بخش حقیقی اقتصاد باشد و کارکرد واقعی‌اش این است که در عین حال که از جنبه‌هایی مثل شفافیت و انضباط و

نمودار ۳- تسهیلات پرداختی به بخش صنعت و معدن (میلیارد ریال)



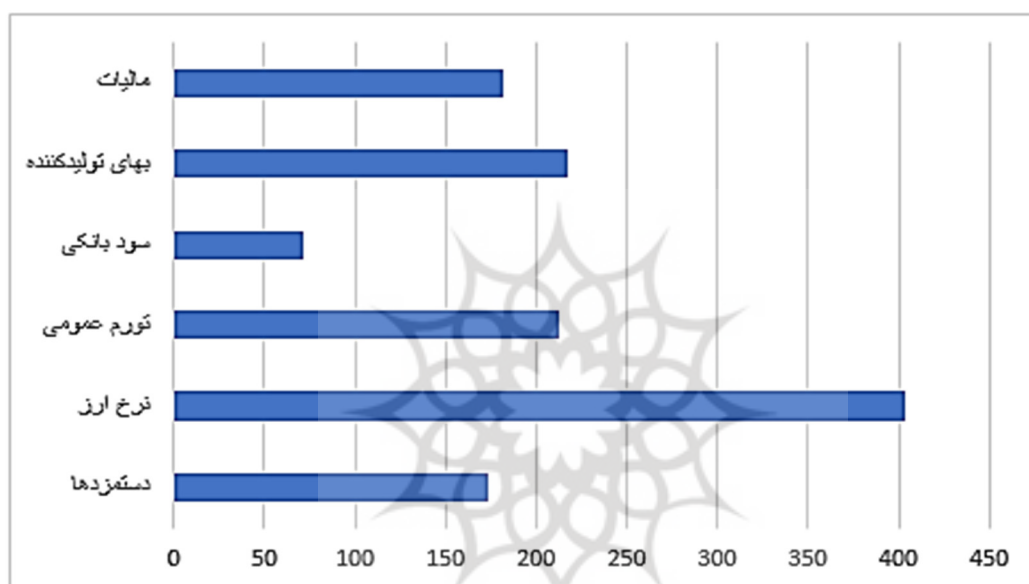
مأخذ: وبگاه بانک مرکزی.

۳-۲- بحران ارزی

است. افزایش نرخ ارز با افزایش قیمت کالاهای وارداتی، قدرت تولیدکننده برای تأمین این کالاها را تقلیل می‌دهد و با تحمیل هزینه‌های بالاتر تولید، واحدهای تولیدی را از صرفه‌های اقتصادی خارج می‌کند و درنهایت، منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی می‌شود.

وقوع بحران ارزی از راه‌های مختلف بخش تولید را ضربه‌پذیر می‌کند. یکی از راه‌هایی که تغییرات نرخ ارز تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد، افزایش قیمت کالاهای وارداتی (واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه بخش تولید)

نمودار ۴- افزایش هزینه‌های تولید و بهای تولیدکننده (۱۴۰۱-۱۳۹۷)



مأخذ: تجزیه و تحلیل بر اساس آمارهای وبگاه بانک مرکزی و مرکز آمار ایران.

پيامدهای اجرای این طرح برای تولیدکنندگان بود. در این فضای ناپایدار، رشد سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال به شدت محدود می‌شود. برای مثال، صنعت مرغداری که حدود ۸۰ درصد از نهاده‌های مورد نیاز آن با استفاده از ارز ۴۲۰۰ تومان تأمین می‌شد، در حال حاضر با بحران سرمایه مواجه است.

۳- وضعیت کنونی سرمایه‌گذاری و دلایل آن

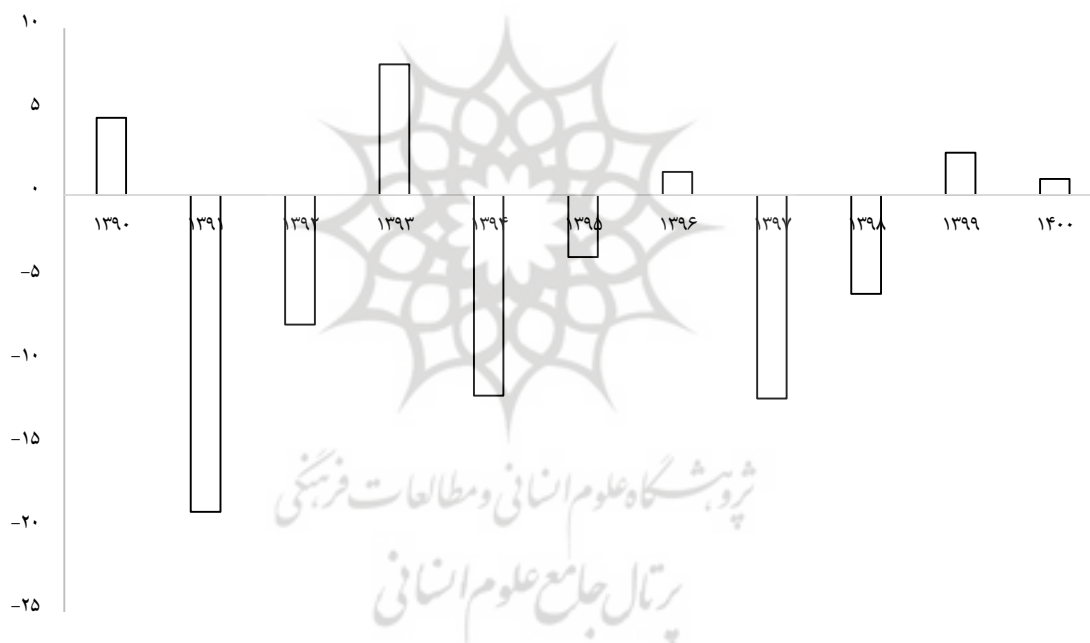
در سال‌های اخیر به دلیل رشد بیش از حد فعالیت‌های نامولد، سایه گسترده دلالی و سوداگری و رواج نبود شفافیت و فساد، تقاضای سرمایه‌گذاری به شدت کاهش

همان‌طور که از نمودار شماره ۴ ملاحظه می‌شود، علت افزایش هزینه‌های عمومی، هزینه مواد اولیه وارداتی به‌خاطر افزایش نرخ ارز بیش از افزایش قیمت تولیدکننده بوده است؛ به‌ویژه در سیاست حذف ارز ترجیحی در اردیبهشت سال ۱۴۰۱، محل تأمین نقدینگی که تولیدکننده بتواند بدون توقف در تولید و بدون افزایش زیاد هزینه‌ها به ادامه تولید بپردازد، مشخص نشد و به محدودیت‌های سرمایه در بخش تولید نیز توجه نشد. از سوی دیگر، از دید صاحبان بنگاه‌های تولیدی، کاهش عمده فروش تولیدات به دلیل افت قدرت خرید مردم از دیگر

ارائه شده بانک مرکزی، تشکیل سرمایه ثابت در سال ۱۳۹۸، منفی ۵/۹ درصد بوده است؛ البته این شاخص در سال ۱۳۹۹، روند مثبتی به خود گرفت و به ۲/۵ درصد رسید. بی توجهی به تقویت شاخص تشکیل سرمایه در حالی است که ایران جزو کشورهایی است که از ۵۰ سال پیش به این طرف، اقتصادش با تکیه بر سرمایه گذاری و میزان رشد موجودی سرمایه رشد کرده است.

یافته است. هزینه فرصت منابع برای سرمایه گذاری هم به خاطر درآمدهای بالای بخش نامولد بالاست. نرخ های بهره بانکی هم به گونه ای است که با سرمایه گذاری های بلندمدت سنخیت ندارد. واردات بی رویه و قاچاق نیز از دیگر عوامل مایوس کننده برای سرمایه گذاری است. همان طور که از آمارهای ارائه شده در دهه ۱۳۹۰ نیز ملاحظه می شود، تشکیل سرمایه در این دهه، روند نزولی به خود گرفته؛ به طوری که به استناد اطلاعات

نمودار ۵- نرخ رشد تشکیل سرمایه (درصد)

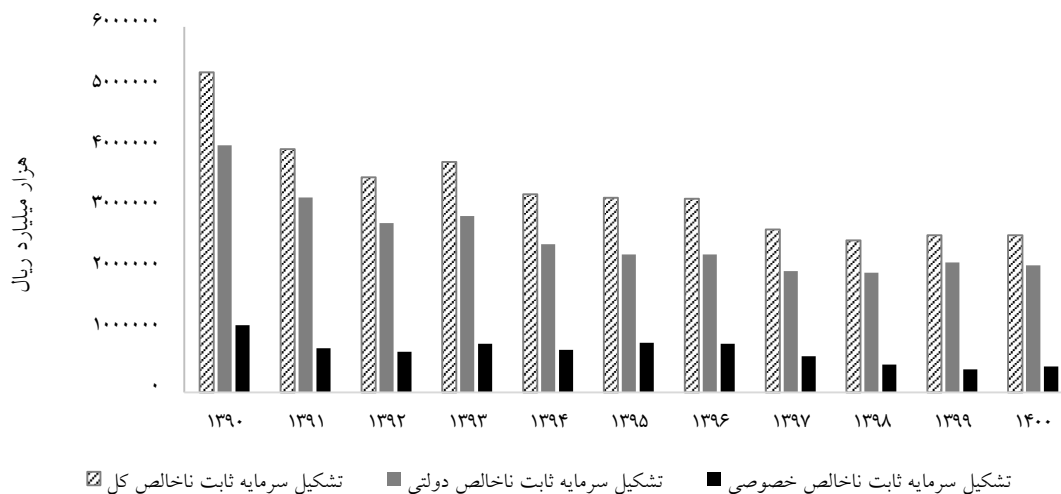


مأخذ: وبگاه بانک مرکزی.

ناخالص دولت در مدت مشابه به شدت کاهش یافته است؛ به گونه ای که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دولتی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، با کاهش ۶۷ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۰ مواجه بوده است. نمودار شماره ۶ روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تفکیک بخش های خصوصی و دولتی را برحسب قیمت های ثابت سال ۱۳۹۵ در دهه اخیر نشان می دهد.

همچنین، آمارها حکایت از این دارد که سرمایه گذاری بخش خصوصی به قیمت های ثابت در دهه اخیر بیش از ۴۵ درصد کاهش یافته و از ۴۰۵۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰، به ۲۵۷۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ رسیده است. نکته نگران کننده اینکه، دولت نه تنها توان جبران این کاهش سرمایه گذاری را نداشته، بلکه میزان سرمایه گذاری

نمودار ۶- بررسی روند سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و دولتی



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی

ازجمله دلایل مشکلات سرمایه‌گذاری کشور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۳-۱- ضعف فناوری و رقابت‌پذیری
یکی از مشکلات سرمایه‌گذاری، نبود فناوری و رقابت‌پذیری است. طبق گزارش بانک جهانی، علم‌محور و وجود بخش نامولد مزاحم تولید است.

جدول ۵- ارزش صادرات کالاهای دارای فناوری پیشرفته در ایران و کشورهای منتخب در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۰

(میلیارد دلار)

سال	برزیل	چین	ایران	کره جنوبی	مالزی	هند	ترکیه
۲۰۱۰	۸/۱۲۲	۴۰۶/۰۸۹	۰/۵۸۴	۱۲۱/۴۷۸	۵۹/۳۳۲	۱۰/۰۸۶	۱/۷۱۴
۲۰۱۱	۸/۴۱۴	۴۵۷/۱۰۷	۰/۶۵۲	۱۲۲/۰۲۱	۶۱/۱۲۷	۱۲/۸۷۱	۲/۲۲۱
۲۰۱۲	۸/۸۲۰	۵۰۵/۶۴۶	-	۱۲۱/۳۱۲	۶۱/۲۲۹	۱۲/۴۳۴	۲/۳۷۹
۲۰۱۳	۸/۳۹۱	۵۶۰/۰۵۸	۰/۲۷	۱۳۰/۴۶۰	۶۰/۳۷۲	۱۶/۶۹۳	۳/۷۷۷
۲۰۱۴	۸/۷۹	۶۵۳/۸۰	۰/۲۹	۱۴۹/۰۴	۷۰/۹۲	۱۸/۳۲۶	۴/۲۹
۲۰۱۵	۹/۴۳	۶۵۲/۲۱	۰/۲۴	۱۴۷/۰۴	۶۴/۴۵	۱۴/۵۸۱	۳/۸۷
۲۰۱۶	۱/۰۴	۵۹۴/۵۲	۰/۲۵	۱۳۵/۹۰۰	۶۳/۱۹	۱۴/۲۶۱	۳/۴۲
۲۰۱۷	۱/۰۷	۶۵۴/۱۵	۰/۲۷	۱۶۶/۶۵	۷۴/۱۲	۱۵/۱۰۲	۴/۰۷
۲۰۱۸	۱/۱۱	۷۳۱/۳۱	۰/۱۵	۱۹۲/۷۸	۹۰/۴۹	۲۰/۱۸۱	۳/۷۴
۲۰۱۹	۹/۳۹	۷۱۵/۳۰	-	۱۵۳/۵۴	۸۶/۹۰	۲۳/۴۷۰	۴/۲۸
۲۰۲۰	۵/۹۴	۷۵۷/۴۵	-	۱۶۳/۹۸	۹۲/۱۰	۲۱/۵۸۳	۴/۱۷
۲۰۲۱	۶/۳۵	۹۴۲/۳۱	-	-	۱۰۸/۶۸	۲۷/۴۴۶	۵/۷۲

مأخذ: بانک جهانی.

بورس، بازارهای ناقص و نظام توزیع رانت‌زا، سپرده‌های بانکی و واردات انحصاری و رانتهی است. مجموع این عوامل در سالیان گذشته انگیزه سرمایه‌گذاری را از فعالان اقتصادی سلب کرده و به همان اندازه تمایل آنان را برای حضور در بخش‌های نامولد و دلالتی تقویت کرده است.

۳-۳- نامساعد بودن فضای کسب‌وکار

شاخص سهولت کسب‌وکار در ایران هم حکایت از جایگاه نامطلوب اقتصاد کشور در ایجاد فضای کسب‌وکار دارد.

۲-۳- حضور بخش نامولد مانع جدی سرمایه‌گذاری

حضور بخش نامولد در اقتصاد، اصلی‌ترین مانع بهبود فضای کسب‌وکار در کشور است (شاکری، ۱۳۹۵). فعالیت‌های نامولد رقیب سرمایه‌گذاری در تولید ایران عبارت از فعالیت نامولد مبتنی بر عایدی سرمایه شامل ملک بدون استفاده و مورد تقاضا تنها به قصد افزایش قیمت، عایدی سرمایه از محل افزایش قیمت ارز، عایدی سرمایه از محل افزایش قیمت فلزات گران‌بها و عایدی سرمایه از محل سفته‌بازی در

جدول ۶- رتبه ایران در میان ۱۹۰ کشور در شاخص‌های گزارش بانک جهانی از سهولت کسب‌وکار

سال	شاخص انجام کسب‌وکار (رتبه کل)	شروع کسب‌وکار	اخذ مجوز ساخت	دریافت برق	ثبت ملک	دریافت اعتبار	حمایت از سرمایه‌گذاران	پرداخت مالیات	تجارت فرامرزی	اجرای قراردادها	حل و فصل ورشکستگی
۲۰۱۹	۱۲۸	۱۷۳	۸۶	۱۰۸	۹۰	۹۹	۱۷۳	۱۴۹	۱۲۱	۸۹	۱۳۱
۲۰۲۰	۱۲۷	۱۷۸	۷۳	۱۱۳	۷۰	۱۰۴	۱۲۸	۱۴۴	۱۲۳	۹۰	۱۳۳

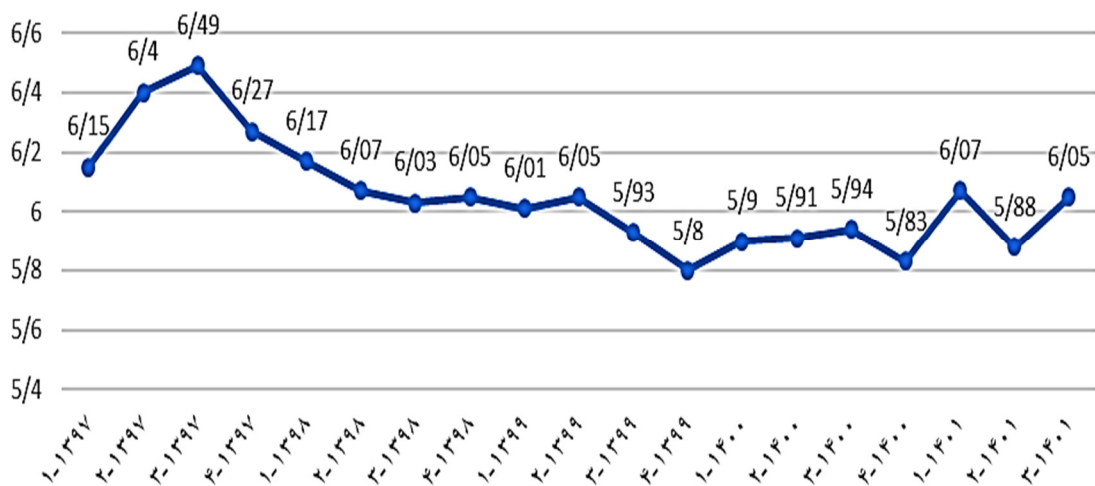
مأخذ: گزارش سهولت کسب‌وکار جهانی.

همان‌طور که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود، وضعیت فضای کسب‌وکار در ایران نسبت به جهان و کشورهای منطقه مطلوب نیست. این در حالی است که در محاسبه شاخص وضعیت کسب‌وکار در ایران باید تورم بالا و بازدهی بخش نامولد را هم منظور کرد؛ زیرا تورم نامتناسب بالا و پیوسته و بازدهی‌های بالای بخش نامولد، منابع را از بخش‌های مولد به بخش‌های نامولد منتقل می‌کند. از این گذشته، سهم فعالیت‌های غیررسمی و اقتصاد زیرزمینی نیز بالاست. از این‌رو استمرار و گسترده‌گی این بخش برای هر اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده برای گذر

موفق از مرحله تاریخی توسعه، مانعی جدی شمرده می‌شود و باید برای آن فکری کرد. بر اساس آخرین گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران که مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در بهمن سال ۱۴۰۱ منتشر کرده است، شاخص کل محیط کسب‌وکار در پاییز سال ۱۴۰۱، به ۶۷۰۵ رسیده است که در مقایسه با تابستان ۱۴۰۱، ۲/۸۹ درصد و در مقایسه با فصل پاییز ۱۴۰۰، ۱/۷۸ درصد بدتر شده است.^۱ نمودار شماره ۷ وضعیت شاخص کل محیط کسب‌وکار کشور را از بهار سال ۱۳۹۷ تا پاییز سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد.

۱. هرچه عدد این شاخص به ۱۰ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده نامساعد بودن محیط کسب‌وکار است.

نمودار ۷- وضعیت محیط کسب و کار کشور



مأخذ: پایش ملی محیط کسب و کار ایران.

۴- ملاحظات امنیت اقتصادی

در شرایط کنونی وضعیت تأمین وجوه برای سرمایه‌گذاری مناسب نیست و حضور گسترده بخش نامولد با درآمدهای بالا و تعهدات کم، هزینه فرصت منابع را برای سرمایه‌گذاری مولد افزایش داده و نرخ تنزیل را برای ارزیابی طرح‌ها بالا برده و از این‌رو تقاضای سرمایه‌گذاری به شدت کاهش یافته است.

نامساعد شدن بازار ارز در سال ۱۴۰۱ موجب شد تا شاهد عملکرد نسبتاً ضعیف اجرای سیاست‌گذاری‌های بخش تولید باشیم. نگاهی به وقایع این سال نشان می‌دهد برخی مشکلات اقتصادی و سیاسی پیش روی دولت، آن را تا حدودی از کارکرد درست خود در برنامه‌ریزی و رفع مشکلات بخش تولید بازداشته است.

شرایط حاکم بر اقتصاد کشور و تشدید فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و افزایش نرخ ارز و تحمیل هزینه‌های بالاتر به بخش تولید، واحدهای تولیدی را از صرفه‌های اقتصادی خارج می‌کند و

میزان تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن به دلیل آثاری که بر اشتغال و رفاه دارد، یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان و مهم‌ترین بخش حقیقی اقتصاد است.

بررسی نتایج پیمایش محیط کسب و کار نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌ناپذیر بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها، بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار، فساد و سوءاستفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه‌های اجرایی و رویه‌های ناعادلانه ممیزی در دریافت مالیات جزو پنج مانع جدی پیش روی کسب و کارها در سال ۱۴۰۱ از سوی فعالان اقتصادی شناسایی شده است.

مسائل داخلی به اجماع برسند. اساساً مسیر توسعه کشور، مسیری آرام و اطمینان بخش است. درباره ریسک اقتصادی هم مهم ترین مسئله، مشکل نوسانات پیوسته و بی ثباتی فضای کلان و متغیرهای کلیدی اقتصاد است. با تورم های پیوسته، بالا و نامتناسب و با تغییر مکرر نرخ ارز و قیمت مواد اولیه نمی توان انتظار رشد سرمایه گذاری های مولد را داشت؛ زیرا نوسان و تغییر زیاد و بی ثباتی متغیرهای کلیدی که در تصمیم سرمایه گذاران دخالت مؤثر دارند، موجب افزایش واریانس آن ها می شود و افزایش واریانس هم موجب افزایش هزینه ریسک می شود و چه بسا سرمایه گذاری را از صرفه اقتصادی خارج سازد. بنابراین، باید توجه داشت تا فضای بی ثباتی کنونی به فضای ثبات و توازن متغیرها تبدیل نشود. اگر ریسک اقتصادی طرح های سرمایه گذاری همین طور بالا باشد، کسی عهده دار سرمایه گذاری های اساسی نمی شود. از سوی دیگر، جولان بیش از حد بخش نامولد، فضای اقتصاد کشور را فضای غیرتولیدی کرده است. بنابراین، تا برای محدود کردن بخش نامولد چاره ای نیندیشیم، فضای کسب و کار مولد، آرام، باثبات و آماده برای سرمایه گذاری نمی شود (شاکری، ۱۳۹۵). توجه به موارد زیر در راستای بهبود نسبی وضعیت تولید ملی و سرمایه گذاری ضروری است.

- تجهیز منابع مالی مورد نیاز صنایع کوچک و متوسط: با توجه به اهمیت بنگاه های کوچک و

در نهایت، منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی می شود. رشد نقدینگی بالا و زیاد نیز به جای کمک به بخش واقعی اقتصاد، به دنبال اهداف سفته بازانه و سوداگرانه از بازاری به بازار دیگر برای کسب سود بیشتر در گذر و غالباً در بخش غیرمولد اقتصاد فعال است. از آنجا که هدف بانک ها حداکثر کردن سود است، بی توجهی به تأمین مالی بخش تولید نه تنها موجب عدم تعادل اقتصادی، تشدید تورم و بیکاری می شود، بلکه به بی ثباتی امنیت اقتصادی در جامعه منجر می شود.

افزایش نرخ ارز با افزایش قیمت کالاهای وارداتی، قدرت تولیدکننده برای تأمین این کالاها را تقلیل می دهد و با تحمیل هزینه های بالاتر تولید، واحدهای تولیدی را از صرفه های اقتصادی خارج می کند و در نهایت، منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی می شود.

نتیجه گیری و پیشنهاد راهکارها

اقتصاد ایران در چند سال گذشته بارها در معرض مجادلات و تنش های بین المللی و بعضاً داخلی بوده است که این خود افق ها و چشم اندازها را کوتاه و فضا را برای سرمایه گذاری کاملاً محدود می سازد. باید متصدیان امور جامعه درباره ضرورت تأمین آرامش جامعه در یک بستر زمانی معین چه درباره روابط بین المللی و چه درباره

- وجود نهاد رتبه‌بندی که موجب کاهش مشکل عدم تقارن اطلاعات بین بنگاه‌های کوچک و متوسط و مؤسسات مالی شده است.
 - پیش‌بینی شیوه‌های متنوع تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در بازار غیربانکی.
 - وضع قوانین تسهیل‌کننده جریان توسعه صنایع کوچک و متوسط.
 - وجود عزم جدی در اصلاح و بهبود محیط کسب‌وکار و فراهم آوردن الزامات اقتصاد باز.
- به نظر می‌رسد درباره کشور ایران، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، توجه دولت به اهمیت نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط و کارآفرینی است. شکی نیست که دولت می‌تواند از ظرفیت بالقوه و بالفعل بنگاه‌های کوچک و متوسط خود برای تحقق رشد اقتصادی مطلوب و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله استفاده کند، اما این موضوع محقق نخواهد شد مگر با حمایت خاص از شرکت‌های مزبور و ارائه انواع خدمات متنوع مالی و غیرمالی توسط یک بانک یا واحد بانکداری تخصصی با نیروهای آشنا و متمرکز بر نیاز این حوزه.
- از طرفی، به دلیل فقدان نهادهای تخصصی صدور ضمانت‌نامه در ایران، بانک‌ها افزون‌بر واسطه‌گری وجوه، مسئول ارزیابی افراد و بنگاه‌ها و صدور ضمانت‌نامه برای آن‌ها نیز هستند و از آنجاکه به متوسط در اقتصاد کشورها و نقش انکارناپذیر آن‌ها در اشتغال، به‌کارگیری منابع مالی کوچک و پراکنده و ایجاد حلقه اتصال بین صنایع و بخش‌های مختلف و در نهایت، در رشد اقتصادی، ایجاد و حمایت از این بنگاه‌ها یکی از اولویت‌های اصلی در برنامه‌های توسعه اقتصادی بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته است. مطالعات بسیار نشان می‌دهند که دسترسی به منابع مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط به مراتب سخت‌تر از بنگاه‌های بزرگ است. دلیل عمده این مسئله، ناتوانی بنگاه‌های کوچک و متوسط در تأمین وثیقه مالی مناسب و فقدان شفافیت در بازپرداخت بدهی‌شان است.
- در این میان، مرور تجربه تایلد به‌عنوان کشوری که توانسته است بعد از بحران مالی جهانی به تدریج حجم وام‌های تضمینی اعطایی به بخش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و به‌طور کلی، سیاست‌های حمایتی از این بنگاه‌ها را توسعه دهد، راهگشا است. آنچه از بررسی تجربه این کشور به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز موفقیت در توسعه صنایع کوچک و متوسط به دست می‌آید، شامل موارد زیر است.
- وجود بانک تخصصی مجزا برای ارائه خدمات بانکی و مشاوره‌ای به بنگاه‌های کوچک و متوسط.
 - وجود نهاد ضمانت که موجب تسهیل دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به بازار اعتبار، افزایش کارایی دارایی‌ها و حل معوقات بانکی شده است.

در نهایت، ایجاد نظام اطلاعاتی فراگیر در کنار نهادی برای رتبه‌بندی اعتباری، برقراری امنیت، شفافیت و ثبات در نظام بانکی و بازارهای مالی، نظارت مؤثر بر کارکرد نهادهای مالی و به‌طور کلی، تلاش در راستای بهبود محیط کسب‌وکار می‌تواند برطرف‌کننده چالش‌های جدی پیش روی صنایع کوچک و متوسط در ایران باشد.

- بهبود فضای کسب‌وکار با تأکید بر ایجاد

ثبات اقتصادی و سیاسی: بحث فضای

کسب‌وکار در اقتصاد ما از آنچه به‌صورت عام برای همه کشورها مطرح می‌شود، متفاوت‌تر و پیچیده‌تر است. در ادبیات رایج وقتی از فضای کسب‌وکار بحث می‌شود، عمدتاً به عوامل سهولت کسب‌وکار پرداخته می‌شود، اما در کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه افزون‌بر عوامل فوق باید عوامل مبنایی ریسک اقتصادی-سیاسی، حقوق مالکیت و حضور بخش نامولد را هم مورد توجه قرار داد.

- ارتقای کیفیت سرمایه‌گذاری:

سرمایه‌گذاری‌های مولد مدرن در کشور ما یا وجود ندارد یا بسیار محدود است. افزون‌براین، حضور بخش نامولد هم مزید بر علت شده و سرمایه‌گذاری در این بخش را بسیار محدود کرده است. اساساً باید چشم‌اندازها و برنامه‌های توسعه، افق سرمایه‌گذاری‌ها و نوع و ترکیب آن‌ها را ترسیم و تعیین کنند و بودجه‌های عمرانی (در طرح‌های دولتی) و سیاست‌های ارشادی، تشویقی و حمایتی

صورت غیرتخصصی این کار را انجام می‌دهند، تنها برخی دارایی‌های خاص و عمومی به‌عنوان وثیقه ضمانت قبول می‌شود و بسیاری از دارایی‌ها برای این منظور قابل استفاده نیستند. برخی از وثیقه‌ها هم عموماً به دلیل مبالغه‌ی کمیتر از ارزش آن‌ها حبس می‌شوند و قابل استفاده نخواهند بود. بنابراین، توسعه نهاد تخصصی ضمانت می‌تواند موجب افزایش کارایی دارایی‌ها شود و تأثیر زیادی در افزایش توانایی بنگاه‌های کوچک و متوسط در عرصه اقتصادی داشته باشد.

مسئله دیگر درباره ایران، بوروکراسی‌های عریض و طویل در عرصه ورود این بنگاه‌ها به بورس است. نگاهی به تجربه کشور تایلند نشان می‌دهد که هرچه شرایط برای ورود بنگاه‌های کوچک و متوسط به بازارهای سرمایه تسهیل شود، زمینه برای رشد و شکوفایی این بنگاه‌ها بیشتر می‌شود. بنابراین، کاستن از بوروکراسی‌های موجود در این حوزه و تجدیدنظر در قوانین ناظر بر پیوستن این بنگاه‌ها به بازار سرمایه مفید واقع می‌شود.

طبق گزارش بانک جهانی، صادرات کالاهای با فناوری بالا در ایران بسیار محدود است که حکایت از ضعف رقابت‌پذیری در اقتصاد دارد. این خود معلول ضعف تولید، ضعف سرمایه‌گذاری، فقدان روش‌های تولیدی دانش‌بنیان و علم‌محور و وجود بخش نامولد مزاحم تولید است.

- بانک اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir).

- Ease Of Doing Business, 2020.

- www.worldbank.org

برای بخش خصوصی باید مطابق این افق سیاست‌گذاری شود. اگر در دوره‌ای محدود، فضای کسب‌وکار اصلاح شود و دولت هم حمایت کند، در دوره بعد، حلقه سرمایه‌گذاری تولید وسیع‌تر می‌شود و در مدار شتاب و رشد خودافزا قرار می‌گیرد؛ زیرا وقتی تولید کیفی‌تر شود و فناوری آن ارتقا یابد، محصولات آن با قیمت بالاتر خریداری می‌شود و سرمایه‌گذار سود می‌برد و چون سودآوری دارد، در مرحله بعد منابع بیشتری را صرف نوآوری و تحقیق و توسعه می‌کند. این خود حلقه سرمایه‌گذاری-تولید را بازتر و وسیع‌تر می‌کند و در این صورت است که صنایع مولد و اساسی و سازگار با مقیاس‌های مناسب شکل می‌گیرد.

- حمایت از جریان سرمایه و فناوری به بخش‌های مولد: در سال‌های اخیر در نتیجه تشدید تحریم‌ها از سویی و مشکلات ناشی از کمبود سرمایه از سوی دیگر، وضعیت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد نامطلوب بوده است. ادامه این وضعیت آسیب جدی به تولید ملی وارد می‌کند. با توجه به ماهیت استهلاک‌پذیری سرمایه و پسرفت فناوری، ضروری است حمایت‌های دولت از جریان سرمایه و فناوری به فعالیت‌های مولد مورد توجه اساسی قرار گیرد.

منابع

- شاکری، عباس (۱۳۹۵)؛ مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران، انتشارات رافع.